

جایگاه حقوق محیط زیست در حقوق بین الملل جنگ

پروین فرسچی (استادیار دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
 فرهاد دبیری (استادیار دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
 مجید عباسپور (استاد دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
 مهرداد ناظمی (استادیار دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)
 ملینا اتحاد (کارشناس ارشد دانشکده محیط زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

چکیده

یعنی محیط زیست جامع و کافی نبوده همچنین نیاز به ضمانت های اجرایی محکم تری دارد. در ضمن با در نظر گرفتن این نکته که این قوانین تنها در مواردی به اجرا در می آیند که منافع قدرت های بزرگ سیاسی دنیا در میان باشد، باید به دنبال راهی برای کاهش نفوذ مسایل سیاسی در زمینه اجرای حقوق بین الملل جنگ در ارتباط با حفظ محیط زیست بود و این قوانین را به سمت قواعد عرفی و الزام آور برای تمامی کشورهای دنیا سوق داد.

کلمات کلیدی: حقوق محیط زیست، حقوق بین الملل جنگ،

کنوانسیون، تخریب محیط زیست.

اهمیت و نقش اساسی محیط زیست در زندگی و تکامل انسان انکار ناپذیر است. حال آن که جنگ به عنوان یکی از فعالیت های مخرب انسانی باعث تخریب محیط زیست شده و در واقع این مهم ترین رکن بقای انسان کمترین اهمیت را در حقوق بین الملل جنگ به خود اختصاص داده است.

همان طور که می دانیم تکنیک های به کار گرفته شده در جنگ می تواند تأثیرات محیط زیستی مخرب فراوانی از خود بر جای گذارد، از این رو حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ به عنوان بخشی از حقوق بین الملل جنگ درآمده، هرچند هنوز هم به از منظر حفاظت محیط زیست این قواعد جامع و دقیق نیست ولی نشان دهنده ی ارتقا جایگاه محیط زیست در حقوق بین الملل جنگ می باشد.

در زمینه حفاظت محیط زیست در زمان جنگ قواعد پراکنده ای در حقوق بین الملل جنگ وجود دارد که عمده ترین آن ها در پروتکل I ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون چهارگانه ی ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون ENMOD ملاحظه می شود. این معاهدات در بر گیرنده ی قواعد کلی در ارتباط با حفاظت محیط زیست در زمان جنگ از طریق ممنوعیت به کارگیری ابزار و روش هایی است که باعث آثار گسترده و شدید و پایدار بر محیط زیست می شوند. در نهایت با بررسی قواعد مربوط به حفاظت محیط زیست در زمان جنگ می توان به این نتیجه رسید که این قواعد برای حفاظت از مهم ترین رکن بقای انسان

Tel : 09123579438

021-88735216

مقدمه

وابستگی شدید انسان به محیط زیست طبیعی خود امری اجتناب ناپذیر و آثار جنگ بر این محیط، مخرب و فاجعه آمیز است. امروزه بشر با دستیابی به تکنیک های پیشرفته تر در جهت نیل به اهداف جنگی خود گام بزرگی را در زمینه تخریب محیط زیست برداشته است. بهره مندی دولت ها از علوم مختلف در راستای حصول اهداف و نتایج مورد نظر از طریق جنگ، در شمار اولویت های راهبردی سیاستمداران قرار گرفته است. میل قدرت طلبی و زیاده خواهی بشر، او را به سوی پدیده ای بنام جنگ سوق داده است و در این راه، مهم ترین رکن زندگی خود که بقایش را می بایست مدیون بقای آن بداند را به نابودی کشانده است. در هر صورت، محیط زیست باید در مقابل آثار گسترده ی جنگ های مدرن و سلاح های پیشرفته محافظت شود و این امر جز از طریق ایجاد قوانین و اجرای آن ها امکان پذیر نمی باشد. در این نوشتار تلاش شده است از طریق بررسی برخی قواعد موجود در حقوق بین الملل جنگ به جایگاه محیط زیست در حقوق بین الملل جنگ پی برده و با ارایه ی راهکارهایی در جهت موثرتر شدن این قواعد ارایه شود.

جایگاه حقوق محیط زیست در حقوق بین الملل جنگ

تکنیک های جنگ مدرن ممکن است تأثیرات زیادی بر محیط زیست داشته باشند، دو طریق عمده ایجاد این اثرات عبارتند از : اول : اثرات جانبی که استفاده از سلاح های مدرن، اعم از متعارف یا غیرمتعارف ممکن است بر محیط زیست داشته باشند. دوم : پدیده های طبیعی که ممکن است به عمد برای اهداف خصمانه به کار گرفته شوند.

در مورد اثرات جانبی سلاح های مدرن ممکن است با بمباران شدید و تکراری مناطق، نشو و نمای گیاهان، که دارای یک تعادل ظریف اکولوژی می باشند به طور دائم از بین بروند و تغییر کیفیت خاک امکان دارد آن را برای سالیان متمادی غیر حاصل خیز نماید استفاده از این سلاح ها نه تنها به نابودی حیات انسان منجر می گردد بلکه زندگی حیوانات و گیاهان واقع در یک منطقه وسیع را نیز از بین می برد و در نتیجه اکوسیستم های زیادی نابود می شوند.

در مقوله دوم یعنی استفاده از پدیده های طبیعی می توان از تعدیلات مصنوعی آب و هوا، تغییرات بارندگی از طریق متدهایی نظیر بارور کردن ابرها، ایجاد زمین لرزه های مصنوعی و امواج کشندی، انحراف طوفان های گردباری و تغییرات رعد و برق نام برد که استفاده از چنین تکنیک هایی به عنوان راه های مؤثر و عملی صدمه زدن به دشمن به کار گرفته می شود.

یکی از سنتی ترین ممنوعیت های این متدهای جنگ که به وسیله قواعد حقوق جنگ مقرر شده است، اصل مصونیت جمعیت غیر نظامی است. طبق این اصل نه تنها

حملات مستقیم علیه جمعیت غیر نظامی و اهداف غیر نظامی ممنوع است بلکه حمله علیه اهداف نظامی که ممکن است موجب صدمات یا خسارات اتفاقی به جمعیت و یا به اهداف غیر نظامی شود که در مقایسه با امتیاز نظامی مستقیم و واقعی مورد انتظار افراط آمیز باشد نیز ممنوع است. این قاعده در پروتکل شماره I مورخ ۱۹۷۷ ضمیمه کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو درج گردیده است و همچنین جزء قواعد حقوق بین الملل عرفی نیز می باشد. نظر به این که خسارات وارد به محیط زیست بر جمعیت غیر نظامی نیز اثر می گذارد تحت شرایطی خاص خسارت به محیط زیست نیز ممنوع شده است.

پروتکل ژنو (۱۹۲۵) نیز در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح های خاص سند مهمی می باشد این پروتکل سلاح های شیمیایی و باکتریولوژیک را به طور کلی منع می کند. در مورد متدها و وسایل معین جنگ مشخص ترین معاهده بین المللی در مورد ممنوعیت استفاده نظامی یا هر نوع استفاده خصمانه ی دیگر از تکنیک های تغییر محیط زیست کنوانسیون ENMOD (۱۹۷۷) می باشد. این کنوانسیون فقط اقداماتی را که به محیط زیست خسارت وارد می سازند را منع نموده که در حیطه کنوانسیون عبارتند از هر تکنیکی که برای تغییر از طریق به کار گرفتن عمدی فرایند طبیعی، حرکت، ترکیب یا ساختمان زمین شامل زندگانی گیاهان و جانوران، لیتوسفر، هیدروسفر و اتمسفر و یا فضای خارج جو استفاده بشود. این مساله شامل آثار جانبی محیط زیستی سلاح ها نیست. در نتیجه بنا بر یک مفهوم طرق دسته دوم را که در ابتدای این بخش به آن اشاره گردید شامل می شود.

از جمله مواردی که باعث تخریب شدید محیط زیست می شود استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی و تکنیک های تغییر محیط زیست است. البته وسایل و شیوه های نبرد دیگری هم در مخاصمات مصلحانه وجود دارند که باعث صدمه های مستقیم یا غیرمستقیم به محیط زیست می شوند ولی در این بخش فقط به ذکر نمونه هایی از موارد ممنوعیت در حقوق بین الملل جنگ افزارهای در مورد این جنگ ها و استفاده از این سلاح ها و روش ها می پردازیم.

جنگ افزارها و سلاح های شیمیایی

سلاح های شیمیایی از آن جهت باید دارای محدودیت های قانونی باشند که از مخرب ترین سلاح های جنگی بوده و آثار گسترده ای بر محیط زیست می گذارند به همین جهت در این جا لازم است که به ذکر تعریفی از آن ها پرداخته شود:

کلیه مواد گازی شکل، مایع و جامدی که در عملیات جنگی به کار گرفته می شوند و هدف از استفاده از آن ها ایجاد ضرر و مرگ انسان، حیوان یا گیاه باشد، ماده تهاجمی شیمیایی است و وسایل کاربرد این مواد را سلاح شیمیایی می نامند.»

مقابل آن را دقیقاً رعایت نماید. در غیر این صورت لزوم اجرای خود را از دست می‌دهد پروتکل مزبور در حال حاضر بین ۹۷ کشور لازم الاجرا است. ایتالیا در جنگ با حبشه در سال‌های ۳۶-۱۹۳۵ اصول مندرج در متون مذکور را رعایت نکرد و تنها مرجعی که واکنشی از خود نشان داد شورای جامعه ملل بود که در ۲۰ آوریل ۱۹۳۶ اعتراضی بی‌اثر و بیهوده نسبت به آن نمود. اما برخلاف آن چه انتظار می‌رفت پروتکل ۱۹۲۵ در جریان جنگ جهانی دوم دقیقاً رعایت شد. هر کدام از متخصصین از ابتدای جنگ تضمیناتی در این زمینه به یکدیگر داده بودند. همچنین روسای کشورهای انگلستان و آمریکا در هفت نوبت از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۵ نتایج وخیم نقض پروتکل ۱۹۲۵ را به دول محور هشدار دادند. کشف ذخایر قابل توجهی از مواد شیمیایی در آلمان در سال ۱۹۴۵ نشان داد که تهدید به مقابله به مثل در این زمینه موثر واقع شده و رهبران رایش سوم را به رعایت تعهدات خود مجبور کرده است. به ویژه آن که اصول فوق از سال ۱۹۲۵ چندین بار از راه‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته بود. متأسفانه در جنگ‌های اخیر پروتکل ۱۹۲۵ نقض گردید منجمله در جنگ‌های کره، ویتنام، افغانستان و جنگ ایران و عراق.

مسأله ممنوعیت استعمال سلاح‌های شیمیایی دارای جنبه‌های فنی است که نباید نادیده گرفته شود مثلاً پروتکل ژنو ۱۹۲۵ مواد ممنوعه را احصاء نکرده است. مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ دقت نظر بیشتری در این زمینه نموده است به موجب این قطعنامه مواد شیمیایی، چه گازی، چه مایع و چه جامد که دارای اثر سمی روی انسان، حیوانات و گیاهان باشد ممنوع اعلام شده است. اما نمی‌توان گفت که این قطعنامه که ارزش الزام آور آن نیز مشخص نمی‌باشد بتواند به عنوان تفسیری رسمی بر پروتکل ۱۹۲۵ مورد قبول قرار گیرد. در مورد احصاء سلاح‌های شیمیایی معمولاً ممنوعیت براساس کاربرد و مقاصد استفاده، اعلام و به آن بسنده می‌شود. به این ترتیب سعی شده است مواد مرگ آور فوق سمی (عامل‌های نورو توکسیک) مواد مرگ آور (گازهای جنگ جهانی اول) یا مواد زیان آور (گازهای ناتوان کننده) ممنوع اعلام شود اما تولید آن‌ها به میزان محدود برای مقاصد صلح جویانه مجاز شناخته شود. اشکال اساسی در وضع مقررات درباره مواد مرگ‌آوری است که مصارف دو گانه دارند مانند فسژن که از گازهای طرف توجه در جنگ جهانی اول بود یا گاز سیانیدریک که امروزه در سطح وسیعی در صنایع شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرند. مسأله پیچیده دیگری که وجود دارد بازرسی است که مورد اختلاف نظر طرف‌های پروتکل است. شوروی سابق معتقد بود که مسئولیت کنترل باید به مقامات داخلی واگذار شود در حالی که به نظر ایالات متحده بازرسی باید به وسیله مقامات بین‌المللی در مکان مربوط انجام شود تا بتوان راجع به انهدام یا تبدیل آن‌ها به مواد غیر جنگی اقدام نمود.

حقوق مخاصمات مسلحانه علیه استفاده از سلاح‌های شیمیایی در حال حاضر دارای یک جنبه محیط زیستی است و اساساً اثرات سلاح شیمیایی

به عبارت دیگر امروزه با توجه به پیشرفت قابل ملاحظه علم شیمی، «عناصر شیمیایی جنگی شامل هرگونه موادی است که به سبب آثار سمی که بر روی انسان، حیوان و گیاه دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدفش نابودی یا بیماری انسان، حیوان یا گیاه است.»

اولین و سنتی‌ترین ممنوعیت سلاح‌ها، منع استفاده از سموم است. اولین اقدام بین‌المللی راجع به این شکل از جنگ اعلامیه ۱۸۹۹ لاهه در مورد گازهای خفه کننده بوده است. این اعلامیه کشورهای عضو را به خودداری استفاده از پرتاب شونده‌هایی که حاوی گازهای خفه کننده و زیان آور است فراخوانده بود. کنوانسیون‌های لاهه در مورد جنگ زمینی مورخ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ به کارگیری سم یا سلاح‌های سمی را ممنوع کرده بودند. علی‌رغم این تلاش‌ها سلاح‌های شیمیایی در جنگ اول به کار گرفته شد که به همین علت پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تنظیم گردید. این پروتکل مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه منع استعمال سلاح‌های شیمیایی است که از سال ۱۹۲۸ به مرحله اجرا درآمده است.

از جمله مقررات قبل از سال ۱۹۲۵ در ارتباط با ممنوعیت این سلاح‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ که به موجب آن شیوه‌های جنگ غیرانسانی محکوم شد.

(۲) اعلامیه‌های کنفرانس ۱۸۷۴ بروکسل که استعمال سم و سلاح‌های سمی را به طور کلی ممنوع اعلام کرد.

(۳) قرارداد واشنگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ راجع به استفاده از گازهای خفه کننده در زمان جنگ.

در نهایت با شکل‌گیری پروتکل ژنو در سال ۱۹۲۵ یک معاهده نسبتاً جامع در زمینه ی سلاح‌های شیمیایی به وجود آمد که محور اصلی و اساسی آن ممنوعیت استعمال گازهای خفان آور، سمی یا مشابه آنها و نیز کلیه مایعات، مواد یا شیوه‌های مشابه در زمان جنگ است. در متن معاهده ژنو این گونه آمده است:

نمایندگان تام‌الاختیار موارد مشروحه ذیل را مورد ملاحظه قرار می‌دهند: «نظر به اینکه به کارگیری گازهای خفه کننده، سمی و مشابه و نیز هر مایعی، ماده‌ای یا روش مشابهی از سوی افکار عمومی ملل متحد جهان محکوم شده است. نظر به اینکه ممنوعیت این بکارگیری در معاهداتی که اغلب دول جهان منعقد کرده‌اند است به این قصد که آن را از جمله مقررات شناخته شده بین‌المللی بدانند. اعلام می‌دارد که طرف‌های معظم متعاهد اگر تا کنون در معاهدات چنین ممنوعیتی را برای خود در نظر نگرفته‌اند اکنون در این پروتکل چنین تصمیم می‌گیرند و آن را به وسایل یا سلاح‌های باکتریولوژیک نیز تسری می‌دهند و موافقت دارند که طبق این اعلامیه در این مقصد مشترک هستند و تشویق خواهند کرد که بقیه به آن بپیوندند.» اغلب کشورهای عضو پروتکل ۱۹۲۵ به شرطی آن را نسبت به خود الزام آور می‌دانند که طرف

دارای نقایصی در ارتباط با بیان ممنوعیت های جنگ های بیولوژیکی بود. پس از آن با انعقاد عهدنامه ۱۹۷۲ در مورد ممنوعیت ساخت، تولید و انباشت سلاح های بیولوژیکی یا سمی (و میکروبی) و انهدام آنها خلاءهای موجود در زمینه مقررات مربوط به منع سلاح های بیولوژیکی تا حدود زیادی برطرف شد. هدف اصلی این عهدنامه ممنوعیت ساخت، تولید، انباشت، به دست آوردن یا نگهداری عناصر بیولوژیکی یا سمی (میکروبی) برای کليه کشورهای عضو است. طبق این کنوانسیون اساس طریقه تولید چنین عناصری هر چه باشد، تأثیری در این مقام ندارد. البته کاربرد این عناصر جهت مصارف درمانی و بهداشتی و دیگر هدف های مسالمت آمیز بی‌اشکال است.

خوشبختانه سلاح های بیولوژیک تاکنون در مقیاس بزرگ هرگز به کار نرفته اند. چنان چه این نوع جنگ به طور کامل آزاد شود خسارات محیط زیستی بسیار گسترده‌ای ببار خواهد آورد زیرا مانند سلاح‌های شیمیایی آثار سلاح‌های باکتریولوژیکی نیز بدون تبعیض خواهد بود.

تغییر محیط زیست طبیعی

از جمله شیوه‌های به کار گرفته شده در جنگ‌ها شیوه‌ی تغییر محیط زیست طبیعی در جهت تحقق اهداف خصمانه است، به طور مثال ایجاد باران، برف مصنوعی، جزر و مد و امواج در دریاها. امروزه تنها معاهده‌ی بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد، عهدنامه ENMOD مورخ می ۱۹۷۷ می‌باشد که براساس آن استفاده نظامی یا هرگونه استفاده خصمانه از تکنیک‌های تغییر دهنده محیط زیست طبیعی ممنوع است. این عهدنامه از ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمده است.

البته در پروتکل شماره یک مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۷۷ در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو نیز مقرراتی در مورد این موضوع دیده می‌شود که به موجب آن، نباید از روش‌ها و وسائل جنگی که موجب خسارات گسترده، دراز مدت و شدید به محیط زیست طبیعی می‌شود، استفاده شود و از آن طریق باعث ضرر و زیان به سلامتی و بقاء غیرنظامیان گردد. (بند ۳ ماده ۳۵).

پروتکل شماره I ژنو منضم به کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹

در زمینه حقوق بین‌الملل حفاظت محیط زیست، پروتکل شماره I منضم به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ عکس‌العملی منطقی در مقابل افراط کاری های جنگ ویتنام است. این افراط کاری از بسیاری جهات مستلاً کاربرد هوشمندانه تکنولوژی مدرن علیه جنگ‌های چریکی بوده است. مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI) معتقد است که متدهای مختلفی که ایالات متحده در طول جنگ به کار برده است به طور

بدون تبعیض است. بعد از کشته شدن رزمندگان، بسیاری از مواد شیمیایی دارای اثرات بعدی بر اکوسیستم اطراف خود خواهند بود چرا که مواد شیمیایی مقاوم و متحرک بوده و قادرند که به زنجیره غذایی نفوذ کنند و مستعد تمرکز در بافت های ارگانیزم‌های میزبان می‌باشند. مواد شیمیایی می‌توانند به صورت مواد سرطان‌زا و مواد صدمه زنده به جنین منتقل شده و موجب جهش در ژن های آن شوند. تأثیر محیط زیستی جنگ شیمیایی خصوصاً وقتی که به صورت نابود سازی گیاهان و مواد برگ ریز استفاده می‌شود، بسیار مهلک است. پس به نظر می‌رسد که ممنوعیت استفاده از این سلاح‌ها جهت حفظ محیط زیست امری واجب است.

جنگ‌ها و سلاح های بیولوژیکی

با ظهور علم جدید امکان استفاده از ارگانیسم‌های بیولوژیکی بوجود آمده، جنگ‌هایی بیولوژیکی را می‌توان چنین تعریف کرد: «استفاده نظامی از ارگانیسم زنده یا فرآورده‌های سمی آن‌ها برای مرگ، ناتوانی یا خسارت به انسان، حیوانات اهلی یا غلات.»

نخستین تلاش برای ممانعت از این نوع جنگ تدوین پروتکل ۱۹۲۵ ژنو بود که طی آن طرف‌های پروتکل موافقت نمودند ممنوعیتی مشابه ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را به استفاده از متد جنگ‌های باکتریولوژیک تسری دهند. این معاهده هنوز توسعه و ذخیره سازی سلاح‌های باکتریولوژیک را اجازه می‌دهد و فقط استفاده اولیه از آنها را ممنوع می‌سازد.

تا چندی قبل این سوال مطرح بود که آیا قواعد عرفی بین‌المللی در جهت منع استعمال سلاح‌های بیولوژیک و باکتریولوژیک وجود دارد یا خیر؟ چون در مقام مقایسه استعمال سلاح‌های شیمیایی عرفاً ممنوع می‌باشد (البته به صورت قاعده عرفی کاملی ظاهر نشده است اما در حال تکوین می‌باشد). علت عدم تشکیل عرف در زمینه سلاح‌های بیولوژیک و باکتریولوژیک این نبوده که کشورها نمی‌خواستند زیر بار تعهدی حقوقی بروند بلکه به دلیل بی‌تأثیری این سلاح‌ها از نظر نظامی بود. به علاوه برداشت اغلب کشورها نسبت به قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ حاکی از اعتقادات گوناگون آنان نسبت به موضوع بود. قطعنامه مزبور به طور کلی استعمال وسایل باکتریولوژیک را مخالف قواعد عمومی شناخته شده حقوق بین‌الملل اعلام می‌داشت.

نتیجتاً در حال حاضر از نظر حقوق مخاصمات مسلحانه قراردادی، دارا بودن یا استفاده از سلاح‌های باکتریولوژیکی غیرقانونی است. لیکن تاکنون حقوق مخاصمه مسلحانه عرفی‌ای علیه سلاح‌های باکتریولوژیکی شکل نگرفته است. همان‌طور که ذکر شد پروتکل ژنو ۱۹۲۵ که در مورد ممانعت به کارگیری گازهای خفه‌کننده، سمی یا گازهای دیگر و روش‌های باکتریولوژیک بود

در جنگ ایجاد کرده است عبارتند از: حفاظت از اشیای ضروری برای بقاء جمعیت غیر نظامی، حفاظت محیط زیست و حفاظت از تاسیسات و ساختمان های حاوی نیروهای خطرناک که برای روشن شدن هر چه بیشتر این قوانین به توضیحی کوتاه در مورد این مواد می پردازیم.

حفاظت از اشیای ضروری برای بقای جمعیت غیر نظامی

ماده ۵۴ پروتکل شماره I اشعار می‌دارد «حمله به مواد غذایی مناطق کشاورزی، غلات، چهارپایان، تاسیسات آب آشامیدنی و تاسیسات آبیاری چنان چه برای تغذیه جمعیت غیر نظامی به کار رود ممنوع است اگر اقلام ذکر شده فقط برای تغذیه نیروهای نظامی یا برای حمایت مستقیم از آن ها به کار رود، می‌شود آن ها را مورد حمله قرار داد، مگر این که حمله به این اقلام باعث ایجاد گرسنگی یا مهاجرت اجباری جمعیت غیر نظامی شود.» ماده ۵۴ همچنین مقرر می‌دارد که در چه هنگام سیاست زمین سوخته مجاز است، این ماده اجرای این سیاست را از طرف ملتی که در حال دفاع از سرزمین خود علیه تهاجم دشمن است و آن سرزمین را در کنترل خود دارد مجاز می‌شمارد. این مقررات ابتدا برای حفاظت قربانیان جنگ وضع شده‌اند، لیکن از طرفی دارای یک مشخصه حقوق محیط زیستی نیز می‌باشند. زیرا استفاده از نابودکننده‌ها گیاهی برای از بین بردن غلات یا زمین های کشاورزی نه تنها می‌تواند ایجاد قحطی و گرسنگی بنماید بلکه باعث ایجاد نابسامانی در اکوسیستم و آلودگی زمین و آب های سطحی آشامیدنی و مورد استفاده برای آبیاری نیز می‌شود.

حفاظت از تاسیسات و ساختمان های حاوی نیروهای خطرناک

ماده ۵۶ پروتکل شماره I، سدها، آب بندها، ایستگاه های ژنراتورهای الکتریکی اتمی و سایر ابنیه یا تاسیسات حاوی نیروهای خطرناک را از حمله محافظت می‌نماید، طبق این ماده حتی زمانی که ساختمان تاسیسات یک هدف نظامی است، چنان چه امکان این باشد که حمله با آزاد شدن نیروهای خطرناک باعث عواقب وخیم و تلفات جمعیت غیر نظامی شود نیز نباید مورد حمله قرار گیرد. استثنایی که بر این قاعده وارد است عبارت است از حالتی که سد یا آب بند به صورت مرتب، مشخص و مستقیماً در پشتیبانی از عملیات نظامی به کار گرفته شود و حمله به آن تنها راه عملی خاتمه این پشتیبانی باشد. این محدودیت نیز مانند حالت اهداف ضروری برای بقای جمعیت غیر نظامی مربوط به حفاظت از قربانیان جنگ است. در هر حال حفاظت از چنین تاسیساتی به علت جلوگیری از خسارت اکولوژیکی ناشی از رها سازی نیروهای خطرناک دارای جنبه حفاظت محیط زیست می باشد.

افراط آمیزی اثر زیان باری بر محیط زیست هند و چین داشته است. SIPRI یادآوری نموده است که هر دو جنبه جنگ چه تدارک آن و چه عملیات واقعی جنگی برای محیط زیست زیان آور است. همچنین اظهار شده است که بسیاری از راه‌های انتخاب شده توسط ایالات متحده آمریکا در این جنگ افراطی و غیر مناسب با منافع نظامی حاصله بوده است. استفاده گسترده از سلاح‌های سنگین، تراکتور، سلاح‌های آتش زا و از بین بردن گیاهان برای محروم ساختن دشمن از غذا و هر نوع پناهگاه، استفاده از سلاح‌های شیمیایی ضد نفر و حتی تکنیک‌های تحت نفوذ در آوردن جهت عاجز نمودن دشمن و سایر اهداف نظامی و بمباران سدها، آب بندها و سدهای دریایی بر مبنای تحقیقات SIPRI در بازسازی هند و چین مشکلات محیط زیستی جدی‌ای را بوجود آورده و خواهد آورد. بایستی متذکر شد که موضع مقامات رسمی آمریکا در این مورد این است که بمباران سدها و آب بندها جنبی و غیر عمدی بوده است. آثار محیط زیستی این قبیل جنگ ها زیاد است. این آثار عبارتند از: نابودی مقادیر زیادی از گیاهان، درختان و حیوانات، سیل و فرسایش ناشی از فقدان پوشش زمین، آلودگی زمین و آب های سطحی با مواد شیمیایی گوناگون رها شده از نابود کننده‌های فوق الذکر، نابودی وسیع جمعیت انسانی توسط عوامل یاد شده، نابودی غلات و کشت زارها، انتشار امراض از قبیل مالاریا و وجود مهمات عمل نکرده که اکثر اوقات منفجر شده و کشاورزانی که مشغول احیای اراضی هستند را به قتل می‌رساند و هزاران مورد دیگر.

هر چند که آثار تغییر آب و هوا احتمالاً زودگذر است، استفاده از نابودکننده‌های گیاهی در ویتنام و در هر جای دیگر ممکن است به علت فقدان پوشش زمین که رطوبت هوا و مقدار کربن دی اکسید را کم کرده و درجه حرارت زمین را زیاد می‌کند، باعث تغییر دایمی آب و هوا در بعضی مناطق شود. در حالی که مفاد کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ بیشتر متمایل به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بوده است پروتکل شماره I منضم به این کنوانسیون ها با روح کنوانسیون های لاهه در مورد جنگ زمینی مورخ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ با تأکید بر طرق و روش هایی که بر مبنای آنها بایستی به جنگ مبادرت شود وفق می‌دهد. به عنوان مثال پروتکل شماره I استفاده از گرسنه نگه داشتن غیر نظامیان به عنوان متدی از جنگ را منع می‌نماید.

در واقع پروتکل شماره I حاوی قواعدی است که جنگ های شیمیایی، بیولوژیکی کشتار دسته جمعی و حمله به اهداف فرهنگی و تاریخی را ممنوع کرده است. همچنین پروتکل شماره I اولین و مهم ترین پیشرفت در حقوق جنگ از ۱۹۰۷ به بعد می‌باشد در هر حال این پروتکل نه تنها تأکیدی بر کنوانسیون های لاهه است بلکه همان طور که گفته شد به طور مؤثری حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه را افزایش داده است. محدودیت های به خصوصی که پروتکل شماره I براساس اصول حفاظت محیط زیست

اکولوژیک وارد می‌نمایند.

در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل شماره I تصریح شده است: «کاربرد متدها یا وسایل جنگی که هدف از آن‌ها ایجاد خسارات گسترده پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی است یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند ممنوع است.» به این دو ضابطه در اعلامیه سن پترزبورگ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۸۸۶ نیز اشاره شده است در بند ۲ این اعلامیه آمده است: «تنها هدف طرفین رزمنده یا دولت‌ها در طول جنگ تضعیف نیروهای مسلح دشمن است، به این منظور کافی است که فقط بیشترین تعداد افراد از صحنه نبرد خارج شوند.» هدف فوق‌الذکر می‌کند که استفاده از سلاح‌های خاصی ممنوع شود. در کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ نیز به این موضوع اشاره شده است.

در مورد ضابطه دوم یعنی سلاح‌هایی که جنبه اکولوژیک داشته و ضد محیط زیست طبیعی هستند و آثار سویی برای محیط زیست دارند، کاربردشان به طور کلی ممنوع می‌باشد. از این گروه بعضی سلاح‌ها مثل شیمیایی به کلی کاربردشان ممنوع است و برخی تاکنون ممنوع نشده‌اند. سلاح‌هایی که از این جهت ممنوعیت دارند عبارتند از سلاح‌های انفجاری که چنانچه با گلوله باران ممتد در سرزمینی صورت گیرد مشمول محدودیت خواهد بود. زیرا انفجارهای حاصله و مواد بکار گرفته شده بسیار بیش از نیازی است که برای خروج افراد دشمن از صحنه لازم است و برای محیط زیست طبیعی مضر است نظیر آن‌چه در جنگ دوم و یا جنگ ویتنام اتفاق افتاد و کاربرد این سلاح برخی از مناطق را غیرقابل کشت و حتی غیرقابل زیست نمود. پس این سلاح‌ها در صورت ایجاد آثار به کارگیری بیش از حد ممنوع می‌باشند. دیگر سلاح‌های آتش‌زا که از قدیم‌الایام کاربرد داشته‌اند نظیر آتش‌زدن حیوانات و رها کردن آنان به سوی دشمن و آتش‌زدن مزارع و مانند آن و این سلاح‌ها به علت خاصیت آتش‌زنده و آسیبی که به محیط زیست وارد می‌نمایند ممنوعیت کلی دارند نظیر ناپالم، هر چند که در حقوق موضوعه ممنوع نشده است. سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک به لحاظ ضدیت آسیب‌رسانی به محیط زیست دارای ممنوعیت کلی می‌باشند که مقررات خاصی نیز درباره آن‌ها وجود دارد که قبلاً به آن اشاره شد. سلاح‌های بیولوژی و بیوشیمی موجب تخریب و انهدام گیاهان می‌شوند. سلاح‌هایی که حشرات خاصی را برای از بین بردن محصولات دشمن ایجاد می‌کنند و یا باکتری‌های خاصی که محصول را از بین می‌برند و یا مواد سمی و خفه‌کننده به علت صدمه و تخریب محیط زیست ممنوعیت کلی دارند. طبعاً سلاح‌های اتمی هر چند که ممنوعیت خاصی ندارند ولی دارای ممنوعیت کلی می‌باشند و به طریق اولی ضد محیط زیست می‌باشند. پس ملاحظه شد که هر سلاحی را نمی‌توان در جنگ به کار برد ولی بعضی سلاح‌ها ممنوع نشده‌اند.

لذا برای ایجاد ضوابط کلی ممنوعیت دو موضوع را باید در نظر گرفت یکی درد زاید و دیگر ضد محیط زیست بودن سلاح است. در مورد بند ۳ ماده ۳۵ توضیح اینکه هر متد یا وسیله جنگی که برای ایجاد

حفاظت محیط زیست

این قسمت یکی از گسترده‌ترین مقررات حفاظت محیط زیست در پروتکل شماره I است که مهمترین مواد مربوط به این موضوع در پروتکل مزبور مواد ۳۵ و ۵۵ می‌باشند که در جای خود به شرح هر یک خواهیم پرداخت.

ماده ۳۵ این پروتکل چنین اشعار می‌دارد:

• در هر مخاصمه مسلحانه حق طرف‌های درگیر در انتخاب متدها یا وسایل جنگ نامحدود نیست.

• به کارگیری سلاح‌ها، پرتاب شونده‌ها، مواد و متدهای جنگ که طبیعتاً موجب صدمه زاید یا رنج غیرضروری گردند، ممنوع است.

• کاربرد متدها یا وسایل جنگی که هدف از آن‌ها ایجاد خسارات گسترده، پایدار و شدید در محیط زیست طبیعی است یا احتمال دارد چنین خساراتی را وارد نمایند، ممنوع است.

در پاسخ به این سوال که آیا هر سلاحی را در جنگ می‌شود بکار برد یا ممنوعیتی در این امر وجود دارد؟ باید گفت به نظر می‌رسد در این امر ممنوعیتی وجود دارد که دارای دو جنبه عام و خاص است. در جنبه عام ضوابطی را می‌شود در نظر گرفت که براساس آن مشخص می‌شود که کدام سلاح کاربردش در جنگ ممنوع است یعنی هر سلاح که مشمول این ضوابط شود نباید در جنگ بکار رود. در جنبه خاص ممنوعیت سلاح‌ها به طور مشخص معین شده است مثل اسلحه شیمیایی و خفه‌کننده در پروتکل ۱۹۲۵ که قبلاً راجع به آن صحبت شد. ولی سلاح‌های اتمی را با توجه به جنبه عام می‌توان گفت کاربردشان ممنوع است. ضوابطی که در مورد ممنوعیت کاربرد سلاح‌ها تاکنون وضع گردیده‌اند عبارتند از اینکه «هر سلاحی را نمی‌توان در جنگ به کار برد و طرف‌های درگیر در مخاصمه مسلحانه در کاربرد وسایل جنگی محدودیت دارند.» این امر اصلی کلی از قواعد امره است. ماده ۲۲ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ که مفاد آن در کنوانسیون لاهه ۱۸۹۹ نیز وجود داشت تصریح می‌نماید: «طرف‌های متخاصم در انتخاب وسایل صدمه زنده به دشمن حق نامحدود ندارند.» این اصل در اعلامیه ی بروکسل ۱۸۷۴ نیز آمده است و در دکترین مانوئل نیز در ۱۸۸۰ آمده است که «قوانین جنگ برای طرف‌های متخاصم آزادی نامحدود در انتخاب وسایل ضرر زنده به دشمن را جایز نمی‌شناسد» و سرانجام در بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل شماره I ۱۹۷۷ چنین آمده است: «در هر مخاصمه مسلحانه حق طرف‌های درگیر در انتخاب متدها یا وسایل جنگ نامحدود نیست.»

برای تشخیص این ممنوعیت کلی در حقوق بین‌الملل دو ضابطه در نظر گرفته شده است:

ضابطه اول در مورد سلاح‌هایی است که ایجاد دردهای زاید می‌کنند که از بحث ما خارج است. ضابطه دوم در مورد سلاح‌هایی است که خسارات

محیط زیست طبیعی به عنوان تلافی جویی را ممنوع کرده است، طبق کنوانسیون های متعدد دیگری مانند کنوانسیون های لاهه در مورد جنگ زمینی مورخ ۱۸۶۴ و ۱۹۰۷ کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از قربانیان جنگی مورخ ۱۹۴۹ و کنوانسیون راجع به حفاظت از دارایی های فرهنگی در جنگ مورخ ۱۴ می ۱۹۵۴ و مواد دیگری از پروتکل شماره I اعمال تلافی جویانه را در مواردی ممنوع اعلام کرده اند که این ممنوعیت ها خود دارای خصلت محیط زیستی می باشند.

بحث و نتیجه گیری

در طول سال ها زندگی انسان بر روی کره ی زمین، محیط زیست این کره ی خاکی دستخوش تغییرات فراوانی از سوی انسان شده است. جنگ نیز به عنوان یکی از اقدامات انسانی باعث تخریب گسترده ی محیط زیست انسان و دیگر موجودات زنده شده است. با بررسی های انجام شده می توان به این نتیجه رسید که در سال های اخیر با پیشرفت تکنولوژی و شکل گیری جنگ افزارهای پیشرفته، تأثیر تخریبی جنگ بر محیط زیست به مراتب بیشتر از سال های گذشته شده است. همان طور که پیش از این نیز ذکر شد تکنیک های جنگ مدرن از دو طریق می توانند بر محیط زیست تأثیر بگذارند. یکی استفاده از سلاح های مدرن مانند سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی و دیگری استفاده از پدیده های طبیعی با هدف نابود ساختن دشمن و دیگر اهداف خصمانه که باعث ایجاد تغییرات پایداری در اکوسیستم می شود.

در زمینه ی حفاظت محیط زیست در زمان جنگ دو دسته از قوانین و مقررات مطرح هستند. یکی قوانین بین المللی حفاظت محیط زیست و دیگری قوانین بین المللی مخاصمات مسلحانه که شامل موادی در ارتباط با حفاظت محیط زیست در زمان جنگ می شوند.

در ارتباط با گروه اول باید گفت که چون اکثر قوانین بین المللی حفاظت محیط زیست در زمان جنگ نسبت به زمان صلح شرایط بحرانی محسوب می شود خاصیت لازم الاجرا بودن خود را از دست می دهند.

ولی گروه دوم در بر گیرنده ی معاهداتی است که به طور اختصاصی در ارتباط با حفاظت محیط زیست در زمان جنگ تدوین و تصویب شده است. دو معاهده مهم و اساسی در این گروه عبارتند از: پروتکل I ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون ENMOD (۱۹۷۷).

پروتکل I ۱۹۷۷ دارای موادی در ارتباط با حفاظت محیط زیست می باشد. از جمله ماده ۳۵ که کاربرد وسایل جنگی و متدهایی که باعث وارد آمدن خسارات گسترده، پایدار و شدید به محیط زیست می شوند را ممنوع کرده است و یا ماده ۵۵ که اداره جنگ را به نحوی صحیح می داند که باعث ایجاد خسارات محیط زیستی نشود.

خسارت مهم طرح ریزی شده یا ممکن است این خسارات را در محیط زیست طبیعی بوجود آورد حتی اگر چنین خساراتی تصادفی باشد، ممنوع است. ماده ۵۵ پروتکل شماره I به شرح ذیل وظیفه ای برای متخصصان و حتی اشغال گر مبنی بر اداره ی صحیح سرزمین های اشغالی معین می کند: ماده ۵۵ پروتکل I ۱۹۷۷ چنین اشعار می دارد:

• جنگ به نوعی اداره خواهد شد که محیط زیست طبیعی در مقابل خسارات گسترده، پایدار و شدید محفوظ بماند. این حفاظت شامل ممنوعیت از متدها و وسایل جنگی است که برای ایجاد چنین خسارتی تعبیه شده است یا اینکه احتمال می رود که چنین آثاری داشته باشند و به این ترتیب سلامت مردم را در خطر اندازد.

• حملات علیه محیط زیست طبیعی به عنوان تلافی جویی ممنوع است. کنوانسیون چهارم ژنو به عنوان منبعی از حقوق عرفی مورد نظر است که همچنین محدودیتی اساسی در مورد تخریب اموال ایجاد نموده است.

منبع مهم دیگری از حقوق عرفی علیه تخریب محیط زیست دادگاه نورمبرگ است. در این دادگاه تعدادی از متهمین تولیداً به عنوان تخریب شدید محیط زیست محاکمه شدند و به عنوان مثال سیاست زمین سوخته ای که در عقب نشینی نیروهای آلمانی از شوروی بالکان و نروژ دنبال شد تحت محاکمه قرار گرفت. هر چند این اتهامات وارد تشخیص داده نشد و متهمین از این اتهام تبرعه شدند، لیکن خواست و نظر دادگاه در مورد، مورد اتهام قرار دادن متهمین و محاکمه آنها و حکم دادگاه مبنی بر اینکه «تخریب به وسیله قواعد لاهه ممنوع شده و عرف جنگ مجوزی برای ضرورت نظامی نیست.» روشن می سازد که تخریب محیط زیست از روی بی اعتنایی در طول مخاصمات مسلحانه تحت حقوق مخاصمات مسلحانه عرفی، قابل اغماض نیست.

دادگاه در مرحله بعد بدین گونه حکم داد: «قواعد علیه تخریب به اندازه کافی روشن است لیکن واقعیت نشان می دهد اینکه بگوییم چه چیزی ضرورت نظامی است مشکل است. البته جزئیات طبیعت عملیات و تاکتیک تخریب می تواند ضرورت نظامی را تشکیل دهد. زیاد مهم نیست که ضرورت نظامی واقعی وجود داشته یا نه تنها چنان چه مدافع عادلانه و بر مبنای شرایط حاکم بر زمان عمل نماید کافی است. جایی که شرایط به حد کفایت اجازه می دهد که مدافع شرافتمندانه نتیجه بگیرد که ضرورت نظام مجوز تصمیم گیری راجع به تخریب محیط زیست است این حقیقت که قضاوت وی در واقع اشتباه بوده است او را متهم به جنایت نمی کند.»

به طور خلاصه پروتکل شماره I محدودیت های مهم جدیدی بر نحوه جنگیدن مقرر می دارد. این محدودیت ها در قالب اصطلاحاتی که کیفیت حقوقی محیط زیست دارد تصریح شده و انعکاس تمایلات جامعه جهانی برای اجتناب از تراید اختراعاتی که متدهای جنگی تخریب محیط زیست هستند، می باشد.

لازم به تذکر است نه تنها بند ۲ ماده ۵۵ پروتکل شماره I حملات علیه

بین الملل جنگ، قدرت های سیاسی دنیا بوده و آنها نیز در مواردی که منافع خود را در خطر ببینند تحت لقای حمایت از حقوق انسان ها و جامعه بشری و حفاظت محیط زیست به اهداف سیاسی خود دست می یازند.

پیشنهادات

۱. تدوین و تصویب یک پروتکل الحاقی به کنوانسیون های موجود در زمینه حفاظت محیط زیست در زمان جنگ (مانند ژنو و ENMOD) در جهت تکمیل این کنوانسیون ها از لحاظ ضمانت های اجرایی موجود در زمینه آسیب های ناشی شده از جنگ یا پیش بینی مواردی جهت اصلاح آن.
۲. تشکیل یک سازمان بین المللی مانند صلیب سرخ در زمینه جلوگیری از خسارات محیط زیستی و یا کمک به کشورهای آسیب دیده برای جلوگیری از تخریب بیشتر محیط زیست.
۳. تشکیل یک صندوق بین المللی برای حمایت از کشورهایی که از آسیب های محیط زیستی ناشی از جنگ و مخاصمات مسلحانه متضرر شده اند و تامین اعتبارات آن در زمان جنگ و بعد از آن از منافع متجاوز.
۴. حقوق بین الملل محیط زیست موجود، فی نفسه قادر به منع دول متخاصم از تخریب محیط زیست در مخاصمات مسلحانه می باشند به شرط آنکه جامعه بین المللی روی سه مسئله تمرکز داشته باشد :

اول . تلاش برای لازم الاجرای کردن کنوانسیون های مصوب و افزایش تعداد دول تصویب کننده آن ها.

دوم . افزایش اختیارات شورای امنیت در زمینه ی الزام دولت ها برای رعایت و اعمال قواعد بین المللی موجود در این زمینه.

سوم . افزایش نظارت بین المللی بر اجرای قواعد مرتبط با جنگ به منظور کاهش تأثیرات جنگ بر محیط زیست.

منابع

۱. بختیاری اصل، فربرز، ۱۳۷۶، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی، وزارت امور خارجه
۲. حاتمی، امیر، ۱۳۸۲، جنگ های مدرن و کاربرد علوم رفتاری در آن، فصلنامه ی دانشکده ی فرماندهی و ستاد
۳. رحیمی، فرهاد، ۱۳۷۹، بررسی کار کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد و مطابقت آن با حقوق بین الملل، دانشکده ی روابط بین الملل وزارت امور خارجه
۴. سنجابی، علیرضا، ۷۵-۱۳۷۴، امنیت دسته جمعی سازمان ملل متحد

کنوانسیون ENMOD دارای خصیصه ی محیط زیست است و در آن کلیه ی متدها و روش های تغییر محیط زیست طبیعی جهت اهداف خصمانه مانند ضعیف ساختن و یا نابود کردن دشمن منع شده است.

هرچند که شاید در نگاه اول با وجود معاهداتی مثل پروتکل I ۱۹۷۷ و کنوانسیون ENMOD و موارد مذکور دیگر، به نظر برسد که قواعد گسترده ای در این زمینه وجود دارد ولی در مقایسه با دیگر قوانین موجود در حقوق بین الملل جنگ می توان به این نتیجه رسید که این مهم ترین رکن بقای انسان یعنی محیط زیست، کمترین اهمیت را در حقوق بین الملل جنگ به خود اختصاص داده است. درعین حال نباید فراموش کرد که در سال های اخیر با وقوع جنگ های خونبار و فراموش نشدنی در جهان و مشاهده تأثیرات گسترده ی جنگ ها بر محیط زیست و بقای انسان ها، جامعه ی بین المللی به اهمیت حفاظت محیط زیست در زمان جنگ بیش تر پی برده و در همین راستا جایگاه حقوق حفاظت محیط زیست در حقوق بین الملل جنگ ارتقا یافته است.

قوانین موجود در زمینه حفاظت محیط زیست از لحاظ کمیت و کیفیت نیاز به بازنگری جامعه جهانی دارد. از جمله نواقص موجود در این قوانین می توان به عدم صراحت برخی از آنها در مورد حفاظت محیط زیست، عدم تعریف دقیق واژه های به کار گرفته شده در برخی معاهدات مربوطه، عدم منع صریح به کارگیری برخی سلاح ها و روش ها و از همه مهم تر عدم وجود ضمانت های اجرایی مناسب در برخی موارد، اشاره کرد. وجود این خلاء ها باعث سوء استفاده قدرت های دنیا می شود. به طور مثال با مروری بر جنگ های اخیر که آثار محیط زیستی فراوانی نیز در پی داشته اند می توان به این نتیجه رسید که این قوانین در مورد تمام جنگ ها به طور کامل اجرا نشده و نحوه ی اجرای آن به دولت های طرف مخاصمه و منافع قدرت های سیاسی دنیا بستگی دارد.

از جمله می توان به اجرای این قواعد در جنگ عراق و ایران و عراق و کویت اشاره کرد. در جنگ عراق و ایران با وجود خسارات محیط زیستی فراوان هیچ یک از قواعد جبران خسارت در زمینه ی محیط زیست از سوی سازمان ملل به عنوان سازمان اعاده ی صلح و امنیت ملی اجرا نشد در حالی که در مورد جنگ عراق و کویت که منافع قدرت های سیاسی دنیا به ویژه آمریکا مطرح است تمام قواعد مربوط به جنگ و حفاظت محیط زیست به طور کامل از سوی این سازمان به مورد اجرا گذاشته شده و شورای امنیت در قطعنامه ی خود، دولت عراق را به عنوان متجاوز شناخته و او را طبق حقوق بین الملل مسئول جبران خسارات وارده و علی الخصوص خسارات مربوط به محیط زیست و تخریب منابع طبیعی معرفی می کند. همچنین با تشکیل کمیسیون و صندوق غرامت سازمان ملل متحد او را مجبور به پرداخت این غرامت کرده و خود مستقیماً مسئول پرداخت این غرامات می شود. پس می توان نتیجه گرفت که ضمانت اجرایی قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست درحقوق

در تئوری و عمل جنگ کره (۱۹۵۰-۱۹۵۳) و جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۵. ضیائی، بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰، حقوق جنگ (حقوق بین الملل
مخاصمات مسلحانه)، دانشگاه علامه طباطبائی

۶. هنجی، سیدعلی، ۱۳۶۹، حقوق مخاصمات مسلحانه، دفتر خدمات
حقوقی بین امللی

7. www.sunshine-project.org/enmod/enmodtxt.html

8. www.icrc.org/ihl.nsf/INTRO/460

9. www.icrc.org/Web/Eng/siteeng0.nsf/